

رسانه رادیو و تلویزیون جام‌جم

اخبار

شبکه نسیم رخت تازه پوشید



شامگاه شنبه، ۲۲ تیرماه از هویت بصری جدید شبکه نسیم رونمایی شد. شبکه نسیم که سال ۹۲ همزمان با میلاد امام‌رضا(ع) افتتاح شده بود، مصادف با شب میلاد آن حضرت، چهره‌ای نو به خود گرفت و لوگوی آن تغییر کرد. لوگوی این شبکه نمایی برگرفته از رنگ‌ها و افسانه‌های دریاچه زیوار (محلی که در آن تولد یافت) است.

به گزارش جام جم، روابط‌عمومی نسیم در توضیح لوگو و گرافیک جدید شبکه آورده است: «هویت بصری شبکه نسیم با بهره‌گیری از رنگ و گرافیک، رسالت اصلی شبکه در ایجاد نشاط و سرگرمی را بازتولید می‌کند؛ هویتی که در تمامی برنامه‌ها اعم از فرهنگی، سرگرمی و ورزشی نمود یافته و به بینندگان خود نوید نشاط و سرگرمی می‌دهد.

بهره‌گیری از چهار رنگ اصلی (زرد به عنوان رنگ شادی، قرمز برای ایجاد شور و هیجان، آبی رنگ اعتماد بخش و سبز به عنوان نمادی از طراوت و سرسبزی) از مهم‌ترین محورهای مورد بهره‌برداری در تمامی میان برنامه‌هاست. همچنین استفاده از نماد لبخند (که قبلا یکی از بخش‌های نشان شبکه بود) را می‌توان در طراحی میان برنامه‌های گرافیکی به وضوح مشاهده کرد.

رفتار گرافیکی همسان در نشان، میان برنامه‌ها، زیرنویس‌ها و اعلام‌ها را می‌توان بخشی از طراحی هویت بصری شبکه دانست.»

پای شبکه افق «حرفشم نزن»



برنامه طنز حرفشم نزن شنبه تا چهارشنبه و با موضوعات روز جامعه روی آنتن شبکه افق می‌رود.

با توجه به لزوم پرداختن به مشکلات و مسائل روز جامعه با نگاهی متفاوت و هنرمندانه، برنامه تلویزیونی حرفشم نزن در شبکه افق سیما تولید و پخش خواهد شد.

قرار است در این برنامه از درپچه طنز، موضوعات روز کشور و جهان در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مطرح و نقد شوند.

اجرای حرفشم نزن را محمدرضا شهبازی بر عهده دارد و دارای بخش‌های مختلفی همچون استندآپ، شعر طنز، نقالی طنز و تقویم تاریخ خواهند بود.

این برنامه شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۱ از شبکه افق پخش می‌شود.

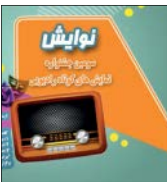
بچه‌های دیروز در شبکه ۵



مجموعه تلویزیونی بچه‌های دیروز با رویکرد پخش کارتون‌های قدیمی و مرور خاطرات کودکی بزرگسالان امروز، از سه‌شنبه ۲۵ تیر ساعت ۳۰ دقیقه بامداد از شبکه پنج سیما پخش می‌شود.

به گزارش روابط عمومی شبکه پنج سیما، پخش فیلم‌های سینمایی و عروسی دهه ۶۰، گزارش مردمی، حضور مجریان قدیمی کودک، وله و پلاتو و زیرنویس‌های مرتبط با برنامه از بخش‌های بچه‌های دیروز است.

مجموعه تلویزیونی پرمخاطب بچه‌های دیروز به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محبوبه سمیعی زفرقندی و با اجرای گیتی خامنه و الهه رضایی هرشب ۳۰ بامداد از شبکه پنج پخش می‌شود.



نمایش، جان تازه‌ای به نمایش می‌دهد

رادیونمایش به مناسبت دهه ولایت، سومین جشنواره نمایش‌های کوتاه رادیویی را با نام نوایش برگزار می‌کند.

به گزارش روابط‌عمومی اداره‌کل هنرهای نمایشی رادیو، جشنواره نوایش با هدف تبیین فرهنگ ولایتمداری در دهه ولایت برگزار می‌شود. موضوعات

«این که چه شد این نقش را پذیرفتید را بارها گفته‌اید. اگر موافق باشید از این که چقدر جیسون رضاییان را می‌شناختید شروع کنیم، با این نقش با او آشنا شدید یا از قبل هم درباره‌اش می‌دانستید؟

یکی از علاقه مندی‌های همیشگی من مطالعه در حوزه‌های تاریخ، فلسفه، عرفان، جامعه و روان شناسی است. همچنین در تمام عمر حرفه‌ای کاری ام تلاش کردم فرزند زمانه خودم باشم و منهای پدیده فضای مجازی و تلفن‌های همراه پیشرفته‌ای که زاویه تندی با آن دارم، به روز باشم. چون معتقدم یکی از دلایل انحطاط فرهنگی حال حاضر جامعه ما و خیلی از دردهایی‌که از غفلت‌ها و خواب‌زدگی‌های اجتماعی می‌کشیم، به خاطر همین فضاست. بااین حال همیشه سعی ام این بوده حتی بدون این فضا روزآمد بمانم. بنابراین هم در مورد جیسون رضاییان و دستگیری اش مطالعه کردم و هم سال ۹۵ که تبادل اتفاق افتاد اخبارش راخواندم و با آن همراه شدم. بنابراین او شخصیت ناآشنایی برای من نبود؛ بااین حال بازی در نقش شخصیت‌های تاریخی از نوع معاصرش که زنده هم هستند، مثل حرکت روی لبه بازیکی است که تنها با یک اشتباه می‌شود سستی بیفتی که یک کپی منفی *+درصدی را نشان دهد یا موجودی که ربطی به آن کاراکتر و دیدگاه و اندیشه اش ندارد. در این بین زمانی که ماجرابی مثل این به موضوع محوری تبدیل می‌شود، شما مجبور هستید برحسب این ضرورت، مطالعات فراوان تری کنید تا بتوانید به بهترین شکل آن را ایفا کنید. زمانی هم که این پیشنهاده داده شد، برایم جالب بود.

«وقتی جیسون رضاییان در کنار مایکل هاشمیان قرار می‌گیرد، میزان نزدیکی و شباهت بین آنها به خصوص در مورد لحن و لهجه شان عجیب به چشم می‌آید، شما گفته بودید فیلمی از او ندیدید، درست است؟

بله، من هیچ فیلمی از جیسون رضاییان ندیدم.

«این اتفاق عجیبی است، پس چطور در این حد با او نزدیک شدید؟

واقعیت این است که سیستم کاری من همیشه به همین شکل بوده، حتی گاهی آثاری را برای کردم که جزو کارهای ادبیات نمایشی بزرگ ندان هستند، مثل «مرگ فروشنده» و شخصیتی که از روی آن فیلم‌ها و کارهای زیادی ساخته شده واهافمن هم نقش او را بازی کرده است. همان زمان هم که آن را بازی می‌کردم به من گفتند آن فیلم را نگاه کنم اما گفتم نه. اوهافمن است و من پیام دهکردی، به همین خاطر می‌خواهم خلق خودم را از ماجرا با هر توانی که هست، داشته باشم. در مورد جیسون رضاییان هم این طور بود و با آن که هم ویدیو از او بود و هم صدا، ترجیح دادم خودم خلق نایم را داشته باشم؛ یعنی آدمی که متولد نیوجرسی است، آمریکایی را خوب حرف می‌زند و فارسی را هم نسبتاً روان بلد است. این زاویه‌ای بود که باید از آن به جیسون نگاه می‌کردم. همچنین در مورد صدایش نیز همین طور است؛ چون اگر قرار بود نقش جیسون رضاییان به معنای بازآفرینی صرف بازی شود، دیگر حضور من ضرورتی نداشت و یک نابازیگر را هم دعوت می‌کردند که عین جیسون را در برود و حرف بزند. نکته‌ای که درمورد این نقش وجود داشت، آن بود که دلم می‌خواست افزوده‌ای به آن داشته باشم و تألیف خودم را هم به آن اضافه کنم. به همین خاطر به دنبال آن فیلم‌ها رفتم، البته به موازات این اتفاق با کسانی که جیسون رضاییان را دیده بودند درباره خصوصیات او حرف زدم، عکسکش را دیدم و چهره اش را در موقعیت‌های مختلف پردازش کردم.

«آنها کسانی که جیسون را می‌شناختند، با دین‌شما چه گفتند؟

در نهایت بعد از شروع فیلمبرداری کسانی که این شناخت را از جیسون داشتند و در بخش‌هایی به ما مشاوره می‌دادند، وقتی سر صحنه آمدند در مواجهه با من شوکه شده بودند و می‌گفتند این خود جیسون رضاییان است.

«خود شما هم به اوشبیه هستید…

بله، البته که شباهتهایی بین من و جیسون رضاییان از نظر چهره وجود دارد و وقتی جواد افشار خواست چاق بشوم، حدود ۲۵ کیلوگرم وزن اضافه کردم و این شباهت افزایش پیدا کرد.



دهکردی که حدود دو سال پیش در یکی از نمایش‌هایش نقش شهید چمران را روی صحنه برده بود، درباره رویارویی اش با برادر این شهید می‌گوید: زمانی که من نقش شهید چمران را بازی کردم، قرار شد روزی با برادر ایشان دیدار کنم، با این‌که می‌گویند او و برادرش شبیه هم نیستند اما دیدار ایشان برایم حس نابی بود که قابل توصیف نیست. اولین مواجهه مان عجیب بود. من داشتم نقش چمران را بازی می‌کردم؛ با همان لباس و عینک چمران، وقتی که از عمق سالن به سمت ایشان آمدم، او یک‌ه خورد و بعد همدیگر را بغل کردم. این ماجرابی بود که حس آن همچنان با من است.

جشنواره نوایش عبارتند از: ولایتمداری، حق الناس، مهرورزی، وفای به عهد و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی. علاقه‌مندان می‌توانند حداکثر با دو اثر در جشنواره شرکت کنند. این جشنواره در دو بخش حرفه‌ای و مردمی پذیرای آثار نمایشی علاقه‌مندان حداکثر به مدت پنج دقیقه خواهد بود و ارسال آثار از طریق سایت

«جدا از نقش، شما با جیسون زندگی کردید، چه نظری درباره او دارید؟

همان‌طور که گفتم من به عنوان بازیگر باید مدافع دیدگاه‌های شخصیتی که بازی می‌کنم باشم. در این بین چیزی که خط قرمزم است این است که شخصیت را قضاوت کنم و به آن در مقطعی که بازی اش می‌کنم حق می‌دهم. اما از این جهت که برخی می‌گویند او اصلاً جاسوس نبوده و داستان چیز دیگری است، باید بگویم که من در تمام سال‌های کاری‌ام سعی ام این بوده که جدا از هر خط و دسته‌ای حرکت کنم و همیشه هم روی هر موضوعی چرا می‌گذارم و سریع آن را نمی‌پذیرم. درمورد جیسون هم وقتی چنین صحبت‌هایی پیش می‌آید، می‌گویم باشد او جاسوس نبوده و این آدم خوب به اتهام واهی دستگیر شده است، اما بعد برای آزادی او با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار پول وارد می‌شوند، جان‌کری در ستایشش سخنرانی می‌کند و اوامرا برایش جشن می‌گیرد. من پیام دهکردی که سال‌ها در حوزه فرهنگ بودم با خودم می‌گویم برای هر کسی که در این شرایط است، مگر چنین اتفاقی می‌افتد؟ جوابش هم مشخص است که این‌طور نیست. پس این آدم جاسوس بوده و حال می‌توانیم بگوییم از ۱۰۰ درصدی که الان توسط تلویزیون رسانه‌ای شده، بخشی از این اعترافات در بازجویی اتفاق افتاده ولی کل ماجرا را نمی‌شود زیر سوال برد.

«... و حستان نسبت به این شخصیت چه بود؟

با توجه به این که قرار بود نقش یک جاسوس را بازی کنم، حس می‌کردم مسوولیت سنگینی به عهده من است و این که قرار نیست جیسون رضاییان را بازی کنم، بلکه نقش بی‌شمار مدیران اتفاقی بیفتد. ما در این بخش به دلیل سخنرانی جیسون در سی آی ای و صحبت‌هایش درباره تحریم‌ها، حجاب، کنسرت و خیلی از موارد که اهمیت زیادی داشت، بحث کردیم. موضوعاتی که اگر هر کدام از آنها به زیرنویس تبدیل می‌شد، تماشاگر به دلیل پیچیدگی آن، خیلی از بخش‌ها را از دست می‌داد، ضمن آن که خیلی از مردم هنوز بلد نیستند زیرنویس بخوانند، به همین دلیل تصمیم بر این شد در بخش آمریکا غلطت آن را کمتر کنیم.

«درگیری با نقش از آن موضوعاتی است که برای هر بازیگری به نحوی وجود دارد، برای شما با وجود فشارها و حساسیت‌هایی که داستان داشت، این ماجرا چقدر بود؟

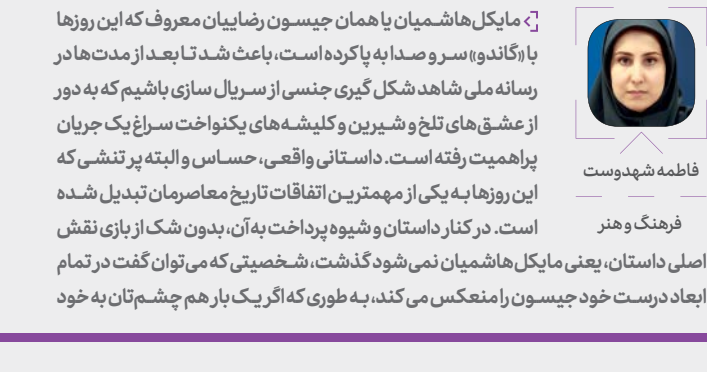
در جنس بازیگری مدرن این‌که فردی در نقشی فرو برود و مدت‌ها گرفتارش شود، غیراصولی و به شدت تقبیح شده است و اگر کسی نتواند از نقشی بیرون بیاید، اساساً بازیگر نیست و نمونه‌هایی هم داشتیم که کارشان به خودکشی و جنون رسیده است. برای من هم تا نقش تمام می‌شد، روز از تو، روزی از نو. اما برای آن که شما به نقشی برسید، قطعاً باید مرارت‌هایی را متحمل شوید، بخشی از این سختی‌ها جسمانی است مثل همان ۲۵ کیلوگرم اضافه وزن و از آن سخت‌تر، بخش روانی ماجراست. من به عنوان بازیگر این نقش مدافع آن هستم و باید این طور باشم؛ پس باید از دیدگاه‌ها و عقایدش دفاع کنم و یک با همه خنده‌ها، اشک‌ها، ترس‌ها و همه عواطفی که دارد به شخصیت جان دهم. اگر ما به این قائل باشیم که هنر چکیده رنجی است که برگرفته از درک هنرمند نسبت به پیرامونش است، طبیعتاً اثر هنری را که او اجابت این درد باشکوه نشده باشد، شمای مخاطب به آن توجه نمی‌کنید، چون در یک لایه سطحی قرار می‌گیرد. درمورد جیسون رضاییان هم به دلیل عشق و ارادت من به این آب و خاک، افزون‌بر آنچه در نقش بود، احساس مسوولیتی را روی شانه‌هایم داشتم که باعث می‌شد بارها و بارها در خلوت خودم بگریم و به خودم می‌گفتم تو الان مردم هستی و داری این نقش را بازی می‌کنی، به همین خاطر باید آن قدر عالی بازی اش کنی که کسانی که می‌بینند بگویند «ا، این خودش است». اینجابود که احساس کردم اگر چنین اتفاقی بیفتد، این بزرگ‌ترین خدمتی است که من به این آب و خاک کرده‌ام. یعنی اگر بتوانم جیسون رضاییان را درست بازی کنم، به گونه‌ای بزرگ‌ترین مدافع برای دردهای مردم-م و این همه رنجی که روی سر آنهاست، خواهم بود. پس به من سرباز، امروز این مسوولیت واگذار شده است.

رادیونمایش به نشانی www.radionamayesh.ir امکان پذیر است. دبیرخانه جشنواره مهلت آثار را تا ۱۵ مرداد اعلام کرده است و تجلیل از برگزیدگان، شب عید غدیر طی مراسمی ویژه انجام می‌شود. گفتنی است بهرام سروری‌نژاد، از بازیگران باسابقه نمایش رادیویی، دبیری جشنواره نوایش را به عهده دارد.



گفت‌وگو با پیام دهکردی بازیگر ن

تا امثال جیسون هس



«مایکل هاشمیان یا همان جیسون رضاییان معروف که این روزها با «گاندو» سرو صدا به پا کرده است، باعث شد تا بعد از مدت‌ها در رسانه ملی شاهد شکل‌گیری جنس از سریال سازی باشیم که به دور از عشق‌های تلخ و شیرین و کلیشه‌های یکنواخت سراغ یک جریان پراهمیت رفته است. داستانی واقعی، حساس و البته پر تنش‌ی که این روزها به یکی از مهمترین اتفاقات تاریخ معاصرمان تبدیل شده است. در کنار داستان و شیوه پرداخت به آن، بدون شک از بازی نقش اصلی داستان، یعنی مایکل هاشمیان نمی‌شود گذشت. شخصیتی که می‌توان گفت در تمام ابعاد درست خود جیسون را منعکس می‌کند، به طوری که اگر یک بار هم چشم‌تان به خود

موتولیان امر هستند که باید از خودشان پرسند چه کردند با این مردم که امروز اعتمادی ندارند! البته مسؤولان این را خوب می‌دانند و وقتی قرار می‌شود لایحه اموال مسؤولان را ببرند تصویب کنند یا قوه قضاییه دچار نوگرایی شود، یعنی می‌دانند اعتماد مردم سلب شده است. این مردم همان مردم هستند. اگر امروز با آرامش اینجا نشستیم ایم و حرف می‌زنیم محصول همان ایستادگی‌های مردم است. این‌که به بهر کیفیتی پای این وطن ایستاده اند، از مسلمان و ارمنی گرفته تا مومن و معتقد و کسی که نماز نمی‌خواند، پای همین مملکت ایستاده‌اند. حالا مسؤولان از خودشان پرسند ما چه کردیم با این مردم؟ من بارها گفتم‌ام چراسانه نمی‌تواند جذب حداکثری داشته باشد. یک اشکالی وجود دارد که مردم می‌گویند خیلی چیزها خالی بندی است. البته اخیراً می‌بینم در رسانه اتفاقاتی در حال رخ دادن است. انگار به صورت نرم تدابیری در حال جاری شدن است که نشان می‌دهد اتفاقات خوبی رخ خواهد داد.

«گفتید مردم در رسانه بعضی چیزها را خالی بندی می‌دانند، ملاحظه‌ای چیز؟

مثلاً مردم می‌بینند نزدیک انتخابات روسی خانم‌ها عقب است و یکی دیگر حجاب کامل دارد و حتی بیشتر از حجاب کامل. همه اینها در تلویزیون پخش می‌شود، اما بعد از انتخابات آدم‌های رسانه ملی همه جاری‌اند. غلط است دیگر. مردم هر دو کنار هم تماشا می‌کنند و نمی‌پذیرند. چه اتفاقی می‌افتد؟ کسی که تفریح و سرگرمی ندارد از خانه می‌رود بیرون در پارک محله مواد می‌گذاردن کف دستش! حالا کسی که در تلویزیون سرگرمی منظرش را پیدا نکند ماهواره تماشا می‌کند و کارکرد برنامه‌های ماهواره هم درست عین همین ماجرای مواد خواهد بود. ده‌ها تن به مردم برنامه‌های خوب نمی‌دهیم و بعد می‌گویم چرا مردم نشستند اند یک‌سری سریال مزخرف ترک را می‌بینند. ما چه کار کردیم برایشان؟ مردم ما فاصله می‌گیرند، چون صداقت نمی‌بینند، دورویی و تزویر می‌بینند.

مثل این است که من به مردم بگویم فلان گوشی ساده را دارم و آنها در جایی دیگر آیفون بپینند دستم. این که نمی‌شود، قبلاً می‌شد پنهانی کارهایی کرد، حالا دیگر نمی‌شود. شکل جهان عوض شده است، نمی‌شود گفت تجسس نکند. ما الان در فضای متجسس در حال زندگی هستیم. تجسس و سه‌پسر بوده تقدیم کرده تا کشورش بماند. با خودش گفته همه چیزم فدای خاک کشورم… مردم ایران این‌گونه بودند. اگر بخوایم بیشتر درباره شان بگویم اشک از چشم‌هایم جاری می‌شود. حالا این